

آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران

الهه هادیان رسانی^۱: استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث

دوفصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم

سال هشتم شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۲۹-۴۶

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۰۹/۲۰

چکیده

یکی از مسائل مورد غفلت در خانواده که موجب آسیب دیدن تربیت دینی فرزندان در مقوله حیا و حجاب می‌شود، بی‌توجهی یا کم‌توجهی به حیا و حفظ آن در کودکان از همان ابتدای تولد و مسئله فرآیند بودن تربیت است. از دیگر عوامل آسیب‌زا در این زمینه؛ ناهماهنگی والدین با یکدیگر در خانواده، انتقال ندادن احساس ارزشمندی حجاب به فرزندان از طریق گفتمان خانواده و بی‌توجهی والدین به دوره‌های تربیتی فرزند (ذکرشده در روایات)، رسانه و معاشرت‌های خانوادگی نیز از جمله موارد دیگر است که بی‌توجهی در چگونگی برخورد با آن‌ها، موجب اثرات نامطلوب در امر تربیت دینی دختران در مقوله حیا و حجاب می‌شود. این مقاله به بررسی برخی از آسیب‌ها و راهکارهای قرآن و سنت جهت بهبود آن‌ها ارائه کرده است. این پژوهش از نوع کاربردی است و با هدف بررسی آسیب‌های مطرح در عوامل تربیت دینی دختران در مقوله حیا و حجاب در حوزه خانواده انجام شده است. تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی درصدد پاسخ به این سؤال است که «چه آسیب‌هایی بر تربیت دینی خانواده در مسأله حیا و حجاب تأثیر نهاده و موجب شده است تا از فرصت کودکی که بهترین زمان برای آموزش و انتقال مفاهیم ارزشی به فرزندان است غفلت ورزیده شود و راهکارهای قرآن و سنت برای بهبود این مسأله چیست؟».

کلید واژه‌ها: حیا، حجاب، عوامل تربیت دینی، آسیب‌های تربیت دینی، قرآن و روایات

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم اجتماعی که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته، «حیا و حجاب دختران و زنان و نوع روابط زن و مرد با یکدیگر» است که یکی از محورهای اساسی در حوزه تربیت دینی در خانواده به شمار می‌رود.

شناخت صحیح احکام الهی، عنصری مهم در تربیت دینی فرزندان محسوب می‌شود که به منظور رعایت این احکام از سوی فرزندان، والدین باید از همان اوایل کودکی بر طبق دستورات دینی به تربیت فرزندان خود همت گمارند. بر این اساس، اولین و مهم‌ترین عامل مؤثر بر تربیت دینی فرزندان، خانواده است و مادر به عنوان الگوی عملی و تأثیرگذار بر شخصیت فرزندان به‌ویژه دختران در مقوله حیا و عفاف و نوع تفکر آن‌ها، نقش نمادین دارد.

با اندکی تأمل در گسترش انحرافات در زمینه حیا و حجاب، این مسئله مطرح می‌شود که چه عواملی موجب آسیب بر حیا و حجاب دختران بوده است و چه امری موجب شده است تا خانواده از فرصت کودکی، که بهترین زمان برای آموزش و انتقال مفاهیم به فرزندان است، غفلت کند؟ در لایه عمیق‌تر می‌توان به این مسأله پرداخت که چرا برخی دختران، علی‌رغم تربیت در خانواده‌ای که مادر از پوشش برتر (چادر) استفاده می‌کند، تمایلی به پوشش نداشته و دچار برخی انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی دیگر نیز می‌شوند؟

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و به طور مشخص با روش تحیل محتوا، در صدد تبیین «چستی آسیب‌های تربیت دینی دختران در مقوله حجاب و حیا در حوزه خانواده و راهکارهای قرآنی و روایی جهت بهبود آن‌ها» است. با وجود پیشینه طولانی مباحث تعلیم و تربیت اسلامی به این مسأله کمتر از بُعد کاربردی نگریسته شده است و بیشتر مباحث در قالب نظری مطرح شده‌اند.

۲. اصول تربیت دینی بر مبنای قرآن و روایات

تربیت از ماده «ربو» به معنای پروردن، نشوونما و زیاد کردن است (جوهری، ۱۴۰۷ق، صص ۲۳۴۰ - ۲۳۵۰؛ فیروز آبادی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۶۵ و مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۲۰). ماده اصلی این کلمه بر اساس منابع لغوی، به معنای سوق دادن یک چیز (اعم از انسان، حیوان یا نبات) به سوی کمال و رفع نقائص از حیث اعتقادات، صفات، اخلاقیات، اعمال، آداب و ... است؛ چنان که در حدیثی از معصوم (ع)، به معنای لغوی آن اشاره شده است: «لَا نِعْمَةَ تُرَبُّهَا: تُوْنَعْمَتِي دَارِي كِهْ أَنْ رَارَشْدُوْ وَ پَرُوْرَش مِي دَهِي.» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ق؛ ج ۲، ص ۷ و مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، صص ۱۸-۱۹). واژه تربیت در اصطلاح به مفهوم «کوشش در جهت دگرگونی مطلوب در خود و یا ایجاد زمینه برای دگرگونی مطلوب در فرد (متربی) و به کمال رسانیدن تدریجی و مداوم قوای انسانی» است. شهید مطهری درباره تربیت می‌فرماید:

«تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن. این پرورش دادن‌ها به معنی شکوفا کردن استعدادهای درونی آن موجود است و از همین جا معلوم می‌شود که تربیت باید تابع و پیرو فطرت و سرشت شیء باشد. اگر بنا باشد یک شیء شکوفا بشود، باید کوشش کرد همان استعدادهایی که در آن هست بروز و ظهور بکند. اما اگر استعدادی در یک شیء نیست، بدیهی است آن چیزی که نیست و وجود ندارد، نمی‌شود آن را پرورش داد. مثلاً استعداد درس خواندن در یک مرغ وجود ندارد. به همین جهت ما نمی‌توانیم یک مرغ را تعلیمات بدهیم که مثلاً ریاضیات یاد بگیرد و از همین جا معلوم می‌شود که ترس و ارباب و تهدید در انسانها عامل تربیت نیست؛ یعنی استعدادها هیچ انسانی را از راه ترساندن، زدن، ارباب و تهدید نمی‌شود پرورش داد، همان‌طور که یک غنچه گل را نمی‌شود به زور به صورت گل در آورد، فقط از راه طبیعی که احتیاج دارد به قوه زمینی و خاک، آب، هوا، نور و حرارت [رشد می‌کند]. همان‌هایی را که احتیاج دارد باید به او بدهیم، خیلی هم با لطافت و نرمش و ملایمت، یعنی از راه خودش، تا رشد بکند. ولی اگر بخواهیم به زور گیاهی را رشد بدهیم [نتیجه نمی‌گیریم]. اصلاً اینجا عامل زور حکمفرما نیست» (مطهری، ۱۳۷۷، ص. ۷۱۶).

با توجه به مباحث پیش گفته، اصولی در تربیت مدنظر است:

نخست، تربیت باید تابع فطرت و سرشت باشد. برای نمونه درباره مسئله حیا، تربیت فرد تابع سرشت و فطرت اوست. مقوله حیا در فطرتی که آن را داراست، باید با تربیت، تثبیت و سپس بالفعل و هویدا شود؛ به گونه‌ای که رفتارهای مأخوذ به حیا از او صادر شود.

دوم، تربیت باید با توجه به استعدادها و امکانات موجود در مرتبی صورت پذیرد و همراه لطافت و نرمش و ملایمت برای تأثیرگذاری بر قلب باشد و گرنه اثربخش نخواهد بود. نیاز به تأکید است که در تربیت دینی هدف، تربیت قلب و قوای قلبی است و تربیت ذهن نیست، زیرا قلب آدمی سبب بروز رفتار است و آنچه در آخرت نجات‌بخش انسان خواهد بود، قلب سلیم است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ، إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ: روزی که هیچ مال و اولادی سود نمی‌دهد. مگر کسی که دلی سالم [از رذایل و خبیثات] به پیشگاه خدا بیاورد.» (شعراء/ ۸۸-۸۹).

علامه طباطبایی معتقد است: «قرآن کریم محل ادراک و تعقل را قلب اعلام می‌کند. مقصود از قلب در قرآن کریم، آن حقیقتی از انسان است که ادراک و شعور را به آن نسبت می‌دهند، نه قلب صنوبری شکل که در سمت چپ سینه قرار گرفته است و یکی از اعضای اصلی بدن انسان است» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص. ۳۱۷)؛ به عبارتی «مراد از قلب در قرآن، همان لطیفه الهی؛ یعنی روح است و عضو گرداننده خون در بدن نیست. سلامت و بیماری قلب جسمانی انسان، در محدوده دانش پزشکی است و ارتباطی با سلامت و بیماری قلب روحانی ندارد؛ ممکن است انسانی از سلامت کامل قلب جسمانی برخوردار باشد، اما نتواند نگاه خود را در برابر نامحرم مهار کند و در نتیجه قلب روحانی او بیمار باشد» [«فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ: پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد» (احزاب/ ۳۲)] (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص. ۲۵۲).

بر اساس آیات قرآن کریم قلب، مرکز عواطف انسان است و چیزی است که بیماری روحی، قساوت، غفلت، کینه، رعب، حسرت، شک، آرامش، خضوع و خشوع و ... از آن نشأت گرفته و به آن نسبت داده می‌شود؛ چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَافْتَضُوا مِنْ حَوْلِكَ: اگر سنگدل بودی از اطرافت پراکنده می‌شدند» (آل عمران/۱۵۹).

در تربیت دینی باید توجه داشت که قلب انسان به عنوان متربی، تحت دو عامل تکرار و فشار شکل می‌گیرد. تأثیر تکرار در چشاندن معنا به قلب است. از دیدگاه امام خمینی (ره) یکی از نکات تکرار عبادات و زیاد گفتن اذکار و اوراد آن است که قلب از آن‌ها تأثیر پذیرد و انفعالی رخ دهد تا کم‌کم حقیقت ذکر و عبادت بر باطن تأثیر نهد و قلب با روح عبادت متحد شود (امام خمینی، ۱۳۷۳). قلبی که بر اثر اشتغال به دنیا سخت شده و ارتباط تنگاتنگ خود با خالق را از یاد برده است، با تکرار اذکار و یا اعمال عبادی به عنوان تکلیف (فشار)، این غفلت را می‌شوید و سنگ دل را نرم می‌کند؛ همانطور که ریزش مداوم و پرفشار آب آبشار بر سنگ‌های رودخانه به مرور زمان، سبب سائیدگی سنگ‌ها و گاه حتی سوراخ شدن سنگ می‌شود.

بر همین اساس است که در روایات بر آموزش تدریجی به همراه تمرین و تکرار اذکار و عبادات در فرزندان از همان سنین کودکی تأکید شده است. امام جعفر صادق (ع) می‌فرماید: «وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید که هفت بار عبارت «لا اله الا الله» را بگوید. سپس، او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد؛ در این هنگام، به او آموزش دهید که هفت بار بگوید: «محمد رسول الله». سپس، تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید. در آن هنگام، از وی بخواهید که هفت مرتبه عبارت: «صلي الله عليه و آله» را تکرار کند. سپس تا پنج سالگی او را آزاد بگذارید. در این وقت، اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید، در سن شش سالگی، رکوع، سجده و دیگر اجزای نماز را به او آموزش دهید. وقتی هفت سال او تمام شد به او بگویید که دست و صورت خود را بشوید (به تدریج وضو گرفتن را به او بیاموزید). سپس به او بگویید که نماز بخواند. آنگاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود... در این هنگام، وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و او را به نماز خواندن وادارید.» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۲۸۱؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۴۳۳). با تأمل در مباحث پیشین مشخص می‌شود که عدم تمرین و تکرار از دوران کودکی در خانواده و نهادینه نشدن آن در فرزندان علت رعایت نکردن مسئله حیا و حجاب در برخی از دختران است.

سوم، در مسیر تربیت باید احتیاجات متربی برای ایجاد دگرگونی مطلوب تأمین شود. چنان که از نظر شهید مطهری (ره) درباره پرورش گل، این احتیاجات شامل قوه زمینی، خاک، هوا، نور و حرارت می‌شود و درباره تربیت انسان، احتیاجات دیگری با توجه به قوای عالی او مطرح است؛

۱. درباره هر یک از این مفاهیم و نسبت آن به قلب در قرآن کریم مراجعه کنید به این سوره‌ها و آیات: مرض در (بقره/۱۰ و مائده/۵۲)؛ قساوت در (بقره/۷۴)؛ آرامش و سکینه و اطمینان در (رعد/۲۸؛ بقره/۲۶۰؛ فتح/۴)؛ رعب و ترس و اضطراب در (آل عمران/۱۵۱؛ نازعات/۸)؛ حسرت در (آل عمران/۱۵۶)؛ قساوت و سنگ دلی در (آل عمران/۱۵۹ و مائده/۱۳)؛ الفت در (انفال/۶۳ و توبه/۶۰)؛ شک و ریبه در (توبه/۴۵ و ۱۱۰)؛ خضوع و خشوع در (حدید/۱۶ و حج/۵۴)؛ ترس و ورع از خداوند در (مومنون/۶۰)؛ اشمئزاز (تفر) در (زمر/۴۵)؛ کینه در (محمد/۲۹).

انسان به جهت این که دارای خود دانی و خود عالی انسانی است نیازمند احتیاجات عالی برای تربیت عقل ملکوتی و قلب است. تربیت قلب نیز در همان راستای تربیت عقل ملکوتی جریان دارد (مطهری، ۱۳۹۰). در روایات از عقل به اولین مخلوق خداوند تعبیر شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳). عقل، قبل از خلقت آدم یعنی پیش از سرشتن گل آدمی آماده شده و خداوند آن را در وجود انسان به ودیعت نهاد و عظیم‌ترین، پسندیده‌ترین، محبوب‌ترین و زیباترین مخلوقات نزد خداوند است. لسان اهل بیت (ع) به خوبی بیانگر این مفهوم است که عقل در برابر پروردگار، تسلیم محض است. اطاعت عقل از خداوند در حدیث مشهور جنود عقل و جهل چنین توصیف شده است: خداوند هنگامی که عقل را خلق کرد، به او فرمود: «أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۳).

براین اساس، اگر احتیاجات خود عالی انسان تأمین شود، از چنان تربیت و هدایتی برخوردار می‌شود که طبق فرمایش قرآن کریم، حتی کسانی که در جامعه گمراهند، نمی‌توانند ضرری برای او به وجود آورند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَبِئْسَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خودتان پردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زبانی نمی‌رساند. باز گشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه خواهد کرد.» (مائده/۱۰۵). از این جا روشن می‌شود که بسیاری از هنجارهای اجتماعی درباره معضل بی‌حیایی و بدحجابی مربوط به عدم تربیت و یا تربیت ناقص عقل ملکوتی انسان است که از سوی مریبان به صورت دانسته و یا ندانسته مورد غفلت واقع شده و یا از روش‌های بایسته در این مسیر استفاده نشده است که به برخی از این روش‌ها اشاره می‌کنیم. مسأله تربیت گرایشی است که در علم روان‌شناسی بدان پرداخته می‌شود. با توجه به تفاوت ماهوی جهان‌بینی و هستی‌شناسی قرآن کریم نسبت به علم روان‌شناسی (با پایه‌های غربی) و تفاوت نگاه این دو نسبت به ماهیت انسان و خالق انسان، این دو نگاه و مبانی آن، تفاوت آشکاری نسبت به یکدیگر حتی در تعاریف اولیه مانند تعریف تربیت پیدا می‌کنند.

گاستون میالاره^۱ درباره تربیت، به چهار کاربرد اشاره می‌کند:

(۱) تربیت به معنای «نهاد یا نظام تربیتی»؛

(۲) «حاصل عمل معینی»؛

(۳) به «فرآیندی» اطلاق می‌شود که به نحو پیش‌بینی شده یا نشده، دو یا چند فرد را به یکدیگر پیوند می‌دهد؛

(۴) «محتوا» یا «برنامه آموزشی و تربیتی» است که به فراگیران ارائه می‌شود (گاستون، ۱۳۷۰ و همت بناری، ۱۳۹۰).

کتاب‌ها و آثاری که در طول تاریخ اسلام توسط دانشمندان اسلامی در حوزه رفتار انسان و شناخت او به نگارش درآمده است؛ بانگرش اسلامی و بر پایه متون دینی یعنی قرآن و سنت بوده است. این آثار

اغلب با عنوان علم النفس و یا مباحثی با عنوان تعلیم و تربیت اسلامی نگارش یافته و با بهره گیری از آیات و روایات و سخنان بزرگان به بررسی مباحث مربوط به انسان و چگونگی تحول او در مسیر تربیت پرداخته‌اند. از جمله این آثار می‌توان به آثار غزالی، ابن سینا، فارابی و دیگران اشاره کرد. رویکرد این نوشتار تنها بررسی موضوع از رویکرد مباحث تعلیم و تربیت اسلامی است و در صدد بررسی نظریات رقیب و یا مخالف در علم روان‌شناسی نیست. میان رویکرد تعلیم و تربیت در اندیشه اسلامی و غربی می‌توان نقاط مشترک زیادی به دست آورد که از جمله می‌توان به موضوع لزوم هماهنگی والدین در تربیت اشاره کرد. این موضوع در کتب روان‌شناسی و یا جامعه‌شناسی، تحت عنوان آسیب‌های تضاد پدر و مادر در برخورد با انحراف مطرح شده است (رفیع پور، ۱۳۹۳).

۳. آسیب‌شناسی عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران در مقوله حیا و حجاب

پس از بیان اصول تربیت دینی نوبت به تبیین عواملی می‌رسد که در جهت تثبیت و نهادینه کردن امر حیا و حجاب در دختران با توجه به اصول مطرح شده مؤثر است و در این زمینه آسیب‌های موجود طرح می‌شود.

۳.۱. آسیب‌شناسی نقش تربیتی خانواده

از جمله این آسیب‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳.۱.۱. عدم هماهنگی والدین با یکدیگر

ناهماهنگی و اختلافات والدین با یکدیگر در زمینه اعتقادات و مسائل دیگر، موجب تشتت افکار فرزندان می‌شود. نتایج این امر، که از همان کودکی توسط برخی والدین نادیده گرفته شده و نسبت به آن بی‌توجهی می‌شود، تا سال‌ها بعد ممکن است به صورت خاموش باشد؛ اما از دوره نوجوانی به ویژه از سنین پس از دبستان، بروز کرده و در موارد زیادی به صورت تشکیک در مبانی اعتقادی مانند اصول دین، ضروریات دین از جمله حجاب و غیره بروز می‌کند. این امر بدین جهت است که به فرموده امام علی (ع)، «قلب نونهال مانند زمین خالی است که هر تخمی در آن افشاندن شود می‌پذیرد» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۹۳).

تدبیر هماهنگی در سخن و عمل والدین در خانواده مهم‌ترین تدبیر ایشان در امر تربیت دینی فرزندانشان است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «وقتی خداوند برای خانواده‌ای خیر و خوبی بخواهد، سازش در زندگی و تدبیر را به آنها عطا خواهد کرد» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص. ۶۵).

۳.۱.۲. تحسین نکردن و یا تحسین نامناسب کودکان و یا نوجوانان در موقعیت‌های مناسب

لازم است از همان دوران کودکی، نسبت به چگونگی تحسین فرزندان و حتی نوع الفاظی که در مورد تحسین لفظی آنان استفاده می‌شود، دقت کرد. برای مثال، مشاهده می‌شود که تحسین والدین

به جهت پوشیدن لباسی زیبا توسط فرزندان آنها است و یا عباراتی مانند: «برویم آرایشگاه موهایت را کوتاه کنیم تا زیبا شوی و ...». لازم است که موارد تحسین کودکان بیشتر متوجه موقعیت‌ها و حالت‌های ساده کودک و به ویژه موارد دقت او در التزام به حیا و حجاب باشد. در این گونه موارد می‌توان حتی با القاء ویژگی‌های مثبت دیگر به فرزند، دیگر خصائص پسندیده را نیز در او رشد داد و تثبیت کرد.

پاداش‌ها و تشویق‌های قرآن کریم نیز همواره متوجه ایمان و عمل صالح افراد و در مواردی است که رشد انسان به سوی خود عالی و آزادی معنوی اتفاق بیفتد؛ چنان که می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً بر کاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم» (اعراف/۹۶).

در حدیثی از امام حسین (ع) در تفسیر این آیه نقل شده است که می‌فرمایند: «آنقدر آسمان و زمین بر کاتش را ارزانی دارد که در ختان در هر فصل از سال با اراده خداوند میوه دهند به طوری که مردم میوه زمستان را در تابستان و تابستان را در زمستان تناول کنند» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۵۲). نکته قابل توجه دیگر در زمینه نوع تشویق این است که تشویق‌های قرآن و روایات همواره با توجه به امکانات و استعدادها و میزان سعی و تلاش افراد است: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»: و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست» (نجم/۳۹)؛ یعنی معیار سنجش اعمال نزد خداوند میزان امکانات و سعی و تلاش افراد بر اساس آن امکانات و استعدادها است. به طور مثال، کسی که امکاناتش در دنیا (اعم از محیط، خانواده، ظرفیت و ...) صد است، تلاش او نیز باید به میزان صد باشد و کسی که این امکاناتش به میزان دو است، تلاش مورد انتظار از او نیز به همان نسبت دو است. چنان که در قرآن کریم شخصیتی مانند آسیه که در محیط آلوده‌ای مانند کاخ فرعون زندگی می‌کند و در ظاهر از امکانات بسیار کمی برای هدایت برخوردار است؛ اما به همان نسبت، هنگامی که با حضرت موسی (ع) برخورد می‌کند، هدایت الهی را دریافت می‌کند و ایمان می‌آورد و عمل صالح انجام می‌دهد. در تربیت دینی فرزندان، باید به این معیار قرآنی توجه داشت؛ این نوع نگرش به تربیت، موجب برطرف شدن بسیاری از مشکلات و آسیب‌ها می‌شود. علاوه بر آن، بسیاری از شبهات اعتقادی مانند شبهات مطرح شده در باب عدل الهی نیز پاسخ می‌گیرد.

۳،۱،۳. بی‌توجهی به موضوع حیا و عفت در کودکان از همان ابتدای تولد

یکی از موضوعات بسیار مهم در خصوص پوشش و حجاب در قرآن و روایات، بحث حیا است. مواردی مانند تشویق کودکان به جلوه‌گری در مقابل مردان نامحرم، خرید لباس‌های نامناسب برای کودکان، عدم توجه هر یک از والدین به رعایت حریم حیا و عفت در خانه حتی در میان محارم، عدم التزام به رعایت پوشش مناسب توسط نوجوانان مکلف در مکان‌های تفریحی و عدم اعمال اقتدار لازم توسط والدین در این گونه موارد، بی‌توجهی به موضوع حیا در فرزند است.

این بی‌توجهی و غفلت در تربیت دینی دوران کودکی، آسیب‌های فراوانی درباره حیا در دوران نوجوانی و بزرگسالی به وجود می‌آورد. حضرت علی (ع) در تقبیح این نوع غفلت می‌فرماید: «مانند ستم‌پیشگان دوران جاهلیت نباشید که نه در پی آگاهی دینی بودند و نه در شناسایی خدا اندیشه می‌کردند؛ مثل تخم افعی در لانه پرنده‌گان که شکستن آن گناه است، زیرا گمان می‌رود تخم پرنده باشد، اما جوجه آن شر و زیانبار است. یعنی ظاهر شما به حکم محیط اسلامی ایمان است، ولی در باطن صفات جاهلیت را دارید» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۰). یکی از اوصاف ستم‌پیشگان جاهل و نادان بر اساس این روایت، عدم تفقه در دین است، یعنی در پی به دست آوردن آگاهی‌های دینی و دستورها و قوانین شریعت نیستند و با لابی‌گری و بی‌بندوباری زمان جاهلیت خو گرفته‌اند.

قرآن کریم درباره شکل‌گیری عادات و روحیات انسانی در افراد می‌فرماید: «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِرَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا: بگو: هر کس بر حسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند و پروردگار شما به هر که راه یافته‌تر باشد داناتر است» (اسراء/۸۴).

برخی مفسرین ذیل این آیه، معتقدند که روحیات و شاکله انسان بر اثر تعلیم و تربیت و اعمال مکرر خود انسان شکل می‌گیرد. «شاکله دراصل از ماده «شکل» به معنی مهار کردن حیوان است و «شکال» به خود مهار می‌گویند و به دلیل اینکه روحیات و سجایا و عادات انسانی او را مقید به رویه‌ای می‌کند، به آن شاکله می‌گویند. بنابراین عادات و سننی که انسان بر اثر تکرار یک عمل اختیاری کسب کرده است و همچنین اعتقاداتی که با استدلال و یا از روی تعصب پذیرفته است، نقش تعیین‌کننده دارند و شاکله محسوب می‌شوند. ملکات و روحیات انسان معمولاً جنبه اختیاری دارد. انسان هنگامی که عملی را تکرار کند، نخست «حالت» و سپس «عادت» و به تدریج به «ملکه» تبدیل می‌شود؛ همین ملکات است که به اعمال انسان شکل می‌دهد و خط او را در زندگی مشخص می‌سازد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۱۰۸).

بر این اساس برای تثبیت، ملکه و شاکله شدن ضروریات دین در فرزندان از جمله در مقوله حیا و حجاب لازم است همان‌گونه که در روایات تأکید شده است، از سنین پایین این امر را در آنها نهادینه کرد و بدان توجه کافی مبذول داشت؛ زیرا هرچه انسان بزرگ‌تر شود، صفات و روحیات در او ریشه دارتر می‌شود.

شهید مطهری (ره) تمثیلی در این زمینه از قول مولوی می‌آورد: «مردی خاری را در معبر مردم کاشت و مردم از این بوته خار در رنج بودند. او قول داد که سال دیگر آن را بکنند و سال دیگر نیز کار را به سال بعد موکول کرد و سال‌های بعد نیز به همین ترتیب عمل کرد. از طرفی درخت سال به سال ریشه دارتر می‌شد و از طرف دیگر خود او سال به سال ضعیف‌تر می‌گردید؛ یعنی میان درخت و قوت او نسبت معکوس برقرار بود. حالات انسان نیز مانند خار و خنجر است. روز به روز صفات در انسان ریشه‌های عمیق‌تری پیدا می‌کند و اراده انسان را ضعیف‌تر می‌کند. سعدی نیز چنین تشبیهی دارد که به چوب‌تر و خشک تشبیه می‌کند که تا تر است انعطاف دارد و هرچه خشک‌تر شود، انعطاف آن کمتر می‌شود و وقتی کاملاً خشک شود، یک حالت ثابت به خود

می‌گیرد و تغییر نمی‌کند» (شهید مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۲، ص. ۷۳۰).
علامه مجلسی (۱۴۰۳ق) از قول برخی بزرگان نقل می‌کند که عبادت کودکان و نوجوانان قبل از سن تکلیف برای اصلاح و تربیت آنهاست و یک نوع تمرین و آمادگی قبل از سن تکلیف است تا وقتی که بزرگ شدند و به سن تکلیف رسیدند، عمل به دستورات دین برایشان آسان باشد؛ همان طوری که قبل از بزرگ شدن آنها را ادب می‌کنند.

بنابراین نباید انجام تکالیف و امور دینی از جمله حجاب و حدود آن را تا زمان بلوغ به تأخیر انداخت و استدلال کسانی که معتقدند کودک باید به حد تشخیص خودش برسد تا مسیر را انتخاب کند و نباید پیشاپیش او را به برخی امور از جمله تکالیف دینی عادت داد، اشتباه است.

۴،۱،۳. انتقال ندادن ارزشمندی حجاب به کودک از همان دوران کودکی تا سنین بالاتر از طریق گفت‌وگو خانوادگی

آسیب این نکته تربیتی، به گونه‌ای است نوجوان و یا جوان و حتی شخص در سنین بالاتر به جهت داشتن پوشش برتر، نه تنها احساس ارزشمندی نمی‌کند، بلکه به گونه‌ای سعی می‌کند تا آن را از دیگران مخفی کند و یا هماهنگ با آنان شود. بنابراین تربیت باید به گونه‌ای باشد که فرزندان، رفتار دینی خود را ارزشمند و اصیل بدانند. یکی از مهم‌ترین راه‌های دستیابی به این مطلوب، وجود گفت‌وگو در خانواده است. امروزه در بسیاری از خانواده‌ها به دلیل اشتغال اعضای خانواده اعم از مادر، پدر و فرزندان، گفت‌وگو تربیتی بسیار کم و به ندرت اتفاق می‌افتد؛ غافل از اینکه این امر یکی از مهم‌ترین آسیب‌های تربیت دینی در خانواده است.

برخی پژوهشگران مصری در پژوهش‌های جدید تفسیری خود درباره آیه شریفه قرآن کریم «مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَنِيًّا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ: داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند، همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته و در حقیقت، اگر می‌دانستند، سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است» (عنکبوت/۴۱)، گفته‌اند که تارهای عنکبوت نسبت به ضخامت خود، از قوی‌ترین و سخت‌ترین مخلوقات است و در پاسخ به سؤال «چرا خداوند در این آیه شریفه «بیت عنکبوت» را به سست‌ترین خانه‌ها توصیف می‌فرماید؟» گفته‌اند این امر به دلیل روش زندگی فردی همراه با دشمنی عنکبوت‌ها در زندگی است. در میان عنکبوت‌ها، انواع بسیار کمی از آنها یافت می‌شوند که به صورت جمعی زندگی کنند و بر این اساس است که قرآن کریم، خانه عنکبوت را به دلیل روابط ضعیف میان آنها، به سستی توصیف می‌کند (رشید، ۱۳۸۳).

وجود گفت‌وگو در خانواده به ویژه گفت‌وگو درباره ارزش‌های عقلی و دینی موجب می‌شود تا پایه‌های خانواده به صورت محکم و اصولی شکل بگیرد؛ اصول و ارزش‌ها در میان آنان تثبیت شود و افراد در خانواده تحت تأثیر و تأثر یکدیگر باشند و کمتر انحرافات محیط‌های دیگر بر روی آنها تأثیر گذارد.

۵،۱،۳. گزینش حجاب بدون دلیل منطقی و و صرفاً انتخاب بر اساس سنت از سوی والدین و القای آن به فرزندان

لازم است والدین به عنوان اولین و مهم‌ترین مربی فرزند خود مهارت استدلال در مبانی اعتقادی و ضروریات دین از جمله موضوع حجاب را دارا باشند تا بتوانند متناسب با سن کودک به سؤال‌های وی پاسخ دهند. بر این اساس، استفاده از دلیل و برهان جهت تفهیم مبانی اعتقادی و ضروریات دین به فرزندان متناسب با سن آنها، توصیه اکید روایات است؛ چنان‌که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «به کودکان چیزهایی را یاد بدهید که به خاطرش خداوند به آنها بهره برساند و نباید مرجه^۱ با افکارشان بر آنان چیره شوند» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۱، ص ۴۴۲).

مهم‌ترین ویژگی رسول خدا (ص) در قرآن کریم، آگاه‌کننده بودن ایشان ذکر شده است. «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ: تو فقط هشداردهنده‌ای» (رعد/۷). معنی دقیق واژه «انذار» برخلاف بسیاری از ترجمه‌های صورت گرفته که آن را اغلب به «ترسانیدن» ترجمه کرده‌اند، «آگاه کردن و علم دادن» است (ابن منظور، ۱۴۱۴). در روایات معصومین (ع)، عدم تعلیم و آموزش صحیح فرزندان از کودکی توسط والدین مذموم شمرده شده و سفارش شده است که والدین در آموزش دین به فرزندان خود به حد اندک آن قناعت نکنند.

چنان‌که روایت شده که رسول خدا (ص) به برخی کودکان نگاه کردند و فرمودند: «وای بر کودکان آخرالزمان از دست پدرانشان! گفته شد: ای پیامبر خدا! از پدران مشرکشان؟ فرمودند: نه. از پدران مؤمنشان که چیزی از واجبات را به آنان نمی‌آموزند و چون فرزندانشان، خود بیاموزند، آنان را باز می‌دارند و نسبت به آنان از داشتن چیز اندکی راضی می‌شوند. من از آنان بیزارم و آنان از من بیزارند» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۰۶ و نوری، ۱۴۰۸، ص ۱۶۴).

والدین به ویژه مادر باید توجه داشته باشند در هنگام طرح سوال از سوی فرزند خود، آمادگی لازم را برای پاسخ‌گویی ندارند و یا پاسخ سوال را نمی‌دانند، آن را صادقانه با فرزند خود در میان بگذارند و از گفتن دروغ و یا جواب‌های غلط و به دور از حقیقت به شدت اجتناب کنند. سپس برای دستیابی به پاسخ پرسش فرزند خویش، نهایت تلاش خود را به کار بندد.^۲ باید توجه کرد پاسخ‌های والدین و نوع برهان آوردن آنان، ساده، روان و متناسب با سن فرزند باشد.

۶،۱،۳. بی‌توجهی والدین به سه دوره تربیتی کودک

در روایات آمده است:

۱) «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ: فرزند هفت سال سرور است»، در این هفت سال کودک در خانواده باید آقایی کند به این معنی که مورد احترام قرار گیرد و به کرامت او لطمه وارد نشود؛ اما در عین حال

۱. داخل ندانستن عمل در ایمان و واگذار کردن امور مشتبه به خداوند و تأخیر انداختن آن به روز قیامت، از مهمترین اندیشه‌های فرقه مرجه محسوب می‌شود. این فرقه معتقدند کسی که اعمال دینی را ترک کند، ایمانش در روز قیامت او را نجات می‌دهد، زیرا قول مقدم بر عمل است (جعفریان، ۱۳۷۱). این شبهه که امروزه نیز باب است، به صورت «اصل بودن پاکی دل بدون ارتباط به ظاهر» مطرح می‌شود.

۲. یکی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی مهم جهت گرفتن پاسخ سولات اعتقادی و حتی مشاوره، پایگاه اطلاع‌رسانی پرسمان وابسته به معاونت آموزشی و پژوهشی استادان و دروس معارف اسلامی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها است.

در کنار آن، محبت و صلابت و دقت والدین در تربیت کودک مورد توجه اکید قرار گرفته است؛ چنان‌که در روایات پیشین درباره ضرورت اهتمام والدین به تربیت و یاددهی کودک در این دوره، روایاتی بیان گردید.

۲) «وَعَبْدُ سَبْعِ سِنِينَ: فرزند در هفت سال دوم، بنده است»، پیدایش این حالت در کودک در هفت سال دوم زندگی با عنایت به این که این ایام، دوران تعلیم و تربیت اوست، فوق‌العاده برای سازندگی او اهمیت دارد.

۳) «وَوَزِيرٌ سَبْعِ سِنِينَ: هفت سال سوم، فرزند وزیر است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۴۷۶)، در این دوران، تکریم شخصیت او ایجاب می‌کند همانند وزیر خانواده مورد مشورت قرار گیرد و کارهایی که از او برمی‌آید، به او واگذار شود (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸).

۳، ۱، ۷. بی‌توجهی به انجام واجبات و ضروریات دینی کودکان از دو سال قبل از تکلیف

امام باقر(ع) درباره نماز و روزه کودکان می‌فرماید: «ما اهل بیت هنگامی که کودک کانمان به پنج سالگی رسیدند، دستور می‌دهیم که نماز بخوانند، پس شما کودکان خود را از هفت سالگی به نماز دستور دهید و در هفت سالگی ما امر می‌کنیم تا به اندازه توانایی شان، نصف روز یا بیشتر یا کمتر روزه بگیرند، هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب آمد، دستور می‌دهیم که افطار کنند. این عمل برای آن است که به روزه گرفتن عادت کنند، پس شما کودکان (پسران) خود را در نه سالگی به اندازه توانایی شان به روزه گرفتن امر کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد، افطار کنند» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۴۳۲)؛ و نیز از رسول خدا(ص) نقل شده است که «هر گاه دندان شیرینی کودک کانتان افتاد، آن‌ها را به نماز امر کنید» (ری شهری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۹).

مهم‌ترین راهکار تربیتی روایات در این زمینه، امر کودکان به نماز و ضروریات دین مانند رعایت حیا و حجاب از دو سال قبل از تکلیف یا قبل‌تر از آن است تا همان‌گونه که در قسمت اصول تربیت دینی گفته شد، به این امر عادت کنند و شاکله آن‌ها بر این اساس شکل بگیرد.

۳، ۲. آسیب‌شناسی نقش اقوام و خویشاوندان

۳، ۲، ۱. سرزنش‌های بزرگ‌ترهای اقوام

نوع نگاه و برخورد اقوام و خویشاوندان در مسأله حجاب کودکان یکی از عواملی است که می‌تواند اثرات مثبت یا منفی بر شخصیت کودک بگذارد. عباراتی مانند: «فعالاً که چادر برای او زود و دست و پا گیر است»، «اجازه بدهید کودک در نحوه پوشش راحت باشد تا در آینده دچار عقده و حسرت نگردد» و ...، به ویژه در حضور کودک، تأثیر نامطلوب و مخربی بر فرزند می‌گذارد؛ زیرا در ایام کودکی، موضوع و اصالت حجاب و حیا برای کودک مبهم است و او هنوز قدرت تحلیل چنین مفاهیمی را ندارد. لذا توصیه می‌شود در رفت و آمد و معاشرت با افراد فامیل به این موضوع به صورت جدی توجه شود.

۲،۲،۳. ناهماهنگی و بی‌تناسبی فرهنگ و حدود پوشش شرعی اقوام با خانواده کودک

در قرآن و روایات درباره آداب و نوع معاشرت و تأثیرات آن بر تربیت، موارد فراوانی وارد شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ يُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ: قومی را نیابی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده‌اند - هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند - دوست بدارند. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن جوی‌هایی روان است در می‌آورد همیشه در آنجا ماندگارند خدا از ایشان خوشنود و آنها از او خوشنودند اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگاراند» (مجادله/۲۲).

معاشرت با افرادی که از نظر نوع فرهنگ و پوشش با تربیت دینی خانواده متفاوت هستند، تأثیرات نامطلوبی بر فرزندان که در سن رشد خواهد داشت. از این رو لازم است که درباره این نوع معاشرت‌ها، دقت بیشتری توسط والدین صورت گیرد.

۳،۲،۳. فرستادن کودک به مکان‌های نامناسب و محیط‌های نامطلوب

فرستادن کودک به مکان‌های نامناسب همانند محیط عروسی، محیط‌های نامطلوب فرهنگی و... که تقید به نوع پوشش و فرهنگ محرم و نامحرم ندارند، تأثیرات نامطلوب بر روی کودک و یا نوجوان دارد. در رساله حقوق امام سجاد(ع) درباره حق پا آمده است: «حق پایت این است که با آنها به سوی آنچه که بر تو روانیست نروی و آنها را مرکب گردش و حرکت در راهی که موجب استخفاف و سبکی راه روی آن است قرار ندهی؛ چرا که باید به وسیله آن در مسیر دین گام برداری و سبقت‌گیری و باید با این دو پا برپل صراط بایستی. پس مراقب باش که تو را نلغزاند و در آتش نیفکند» (امام سجاد(ع)، ۱۴۲۱ق، ص ۱۵).

۴،۲،۳. رسانه (دیدن فیلم‌ها، کارتونها و یا بازی‌های کامپیوتری نامناسب غیر اخلاقی و غیر مجاز و یا ماهواره)

در حال حاضر، رسانه مهم‌ترین ابزار جنگ نرم و مهم‌ترین ابزار آسیب‌رسانی به قوای روحی انسان و اعضاء و جوارح است که در رساله حقوق امام سجاد(ع) بر این حقوق و حفظ و نگهداری آن از آسیب‌ها بسیار تأکید شده است (امام سجاد(ع)، ۱۴۲۱) بهترین راهکار دین در زمینه مصون بودن از اثرات مخرب جنگ نرم رسانه‌ای، فرهنگ‌سازی خانواده در زمینه احترام به حقوق اعضاء و جوارح انسانی در میان اعضای خانواده و تدبیر و مدیریت این امر توسط والدین از همان دوران کودکی فرزندان و نحوه استفاده درست از رسانه در خانه است. باید توجه داشت که در استفاده از رسانه، والدین بهترین الگو برای فرزند هستند.

والدین باید نسبت به مشکلات برنامه‌های تلویزیونی که از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود، بسیار با احتیاط برخورد کنند؛ زیرا کودک هنوز از قدرت تحلیل و نقد کافی برخوردار نیست و با شنیدن چنین انتقاداتی، نسبت به کشور و نظام بدبین می‌شود و همان‌گونه که بیان شد ممکن است نتایج این امر از دوره نوجوانی به صورت تشکیک در مبانی اعتقادی مانند اصول دین، ضروریات دین از جمله حجاب و... در فرزند بروز کند. گرچه نگاه نقادانه نسبت به موضوعات و مسائل مختلف اجتماعی مطلوب است؛ اما چگونگی طرح این مسئله نیازمند آگاهی و بینش در چگونگی بیان آن است.

کودک باید بداند که در ساعات محدودی از روز می‌تواند از تلویزیون و یا کامپیوتر استفاده کند تا بتواند برنامه منظم و دقیقی برای دیگر امور خود همانند درس و فعالیت‌های دیگر داشته باشد، لازم است این استفاده با نظارت والدین صورت گیرد.

۵،۲،۳. مدرسه و دوستان

از جمله آسیب‌های قابل توجه در این مقوله، عبارتند از:

(۱) بی‌اهتمامی والدین نسبت به نوع معاشرت فرزندانشان با دوستان خود و رفت و آمدهای آنان؛

(۲) بی‌اهتمامی والدین نسبت به نوع مراودات فرزندانشان در مدرسه و اولیاء مدرسه.

اسلام برای دوستی و انتخاب دوست، سفارش‌های زیادی دارد و دوستی با افرادی را تشویق و از دوستی با افرادی نهی کرده است؛ راه‌های شناخت دوست، مرزهای دوستی، ادامه دوستی، قطع دوستی، انگیزه‌های دوستی، آداب معاشرت با دوستان و حقوق دوست، از جمله مسائلی است که آیات و روایان بسیاری درباره آن‌ها، وارد شده است.

قرآن کریم در سوره صافات به تصویرگری صحنه‌ای از بهشت می‌پردازد که در آن، بندگان مخلص پروردگار که غرق انواع نعمت‌های معنوی بهشتند و بر تخت‌های بهشتی تکیه داده و با دوستان با صفا به راز و نیاز مشغولند، ناگهان بعضی از آنها به فکر گذشته خود و دوستان دنیا می‌افتند، همان دوستانی که راه خود را جدا کردند و جای آنها در جمع بهشتیان خالی است، می‌خواهند بدانند سرنوشت آنها به کجا رسید. آری، در حالی که آنها غرق گفتگو هستند و از هر دری سخنی می‌گویند، بعضی رو به بعضی دیگر کرده سؤال می‌کنند و جواب می‌شنوند. ناگهان یکی از آنها خاطراتی در نظرش مجسم می‌شود. رو به سوی دیگران کرده و می‌گوید: من دوست و همنشینی در دنیا داشتم! «قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٌ» (صافات/ ۵۱).

او پیوسته به من می‌گفت: آیا به راستی تو این سخن را باور کرده‌ای و تصدیق می‌کنی؟! «يَقُولُ إِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ» (صافات/ ۵۲) که وقتی ما مردیم و خاک و استخوان شدیم (بار دیگر) زنده می‌شویم و به پای حساب و کتاب می‌آییم و در برابر اعمالمان مجازات و کیفر خواهیم شد من که این سخنان را باور ندارم! «إِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا إِنَّنَا لَمُدْبُونُونَ» (صافات/ ۵۳). ای دوستان! کاش می‌دانستم الان او کجاست و در چه شرایطی است. آه جای او در میان ما خالی است. سپس

می‌افزاید: ای دوستان! آیا شما می‌توانید نظری بیفکنید و از او خبری بگیرید؟ «قَالَ هَلْ أَنْتُمْ مُطَّلِعُونَ» (صافات/۵۴). اینجا است که او نیز به جستجو برمی‌خیزد و نگاهی به سوی دوزخ می‌افکند ناگهان دوست خود را در وسط جهنم می‌بیند! «فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ» (صافات/۵۵). او را مخاطب ساخته صدا می‌زند: به خدا سوگند چیزی نمانده بود که مرا نیز سقوط دهی و به هلاکت بکشانی! «قَالَ تَأَلَّيْهِ إِنْ كِدَتْ لُزْزِعِينَ» (صافات/۵۶). چیزی نمانده بود که وسوسه‌های تو در قلب صاف من اثر بگذارد و مرا به همان خط انحرافی که در آن بودی وارد کنی. اگر لطف الهی یار من نشده بود و نعمت پروردگارم به کمکم نمی‌شتافت، من نیز امروز با تو در آتش دوزخ احضار می‌شدم! «وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُخْضَرِّينَ» (صافات/۵۷).

در سوره فرقان نیز خداوند حال برخی ظالمان را این‌گونه بیان می‌دارد: (روز قیامت) روزی است که می‌بینی ظالم (از شدت حسرت) دست خود را می‌گزد و می‌گوید: ای کاش با فلان شخص دوست نمی‌شدم! (فرقان/۲۸).

بر این اساس والدین وظیفه دارند نسبت به نوع معاشرت فرزندان خود با دوستان نظارت کافی داشته باشند. تحقق این امر نیز نیازمند ایجاد ارتباط صمیمی میان والدین و فرزندان است. یکی از آسیب‌های تربیتی موجود در میان بسیاری از خانواده‌ها، فاصله گرفتن والدین از فرزندان به دلیل اشتغال و یا عوامل دیگر و تبدیل خانه و خانواده به زندگی عنکبوتی است که در مباحث قبل اشاره شد. بهترین راهکار قرآن و سنت برای برطرف کردن این معضل که اثرات آن به عنوان بزرگ‌ترین معضل اجتماعی نیز محسوب می‌شود، ایجاد ارتباط صحیح و صمیمی میان والدین و فرزندان و صرف وقت در این زمینه برای آنان است.

۴. سه اصل اساسی در تربیت دینی توسط خانواده و نهادینه کردن حیا و حجاب در فرزندان

قرآن کریم در باب نماز و چگونگی فرهنگ‌سازی آن در خانواده راهکاری را ارائه کرده است که از آن می‌توان در دیگر مسائل مطرح در تربیت دینی مانند حیا و حجاب بهره گرفت. قرآن می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا: وَ كَسَانِ خُودِ رَابِعَهُ نَمَاز فَرْمَانِ دِه وَ خُود بَرِ آن شَكِيَا بَاش» (طه/۱۳۲). گرچه این آیه شریفه درباره امر به نماز در خانواده است ولی نوع بیان مطلب، در مورد دیگر واجبات و ضروریات دینی در خانواده نیز قابل استفاده است. بر اساس این آیه شریفه، اولین مرحله تربیت، خانواده است. پیام‌ها و نکات قابل ملاحظه‌ای در دو عبارت کلیدی «أْمُرْ» و «اصْطَبِرْ» وجود دارد که عبارتند از:

۱) هم در انجام نماز و هم در امر به آن در خانواده، تأکید و استقامت لازم است. البته استقامت والدین در امر به واجبات دینی، به معنای اعمال خشونت در خانواده نیست؛ بلکه به معنای روشن بودن خط ارزش‌ها و رعایت خطوط قرمز و تأکید بر آنها است. در این جا به نمونه‌ای از سیره عملی امام خمینی (ره) اشاره می‌کنیم:

«یکی از دختران امام (ره) نقل می‌کند: وقتی خواهر کوچکم به سن تکلیف (۹ سالگی) رسید، امام فرمودند: امسال دیگر باید روزه بگیری! اتفاقاً، ماه رمضان آن سال خیلی گرم بود. نداشتن کولر، کمبود آب و ضعف جسمانی خواهرم، باعث شد که روز اول ماه مبارک را به سختی تحمل کند. این بود که شب، پس از افطار گفت: من فردا دیگر نمی‌توانم روزه بگیرم. آقا همان شب، ترتیب مسافرت او را به تهران دادند. یعنی به مادرم که بچه کوچک هم داشتند، فرمودند: «بچه‌ها را بردارید و مدتی را تهران، منزل فلانی، یکی از بستگان، باشید.» بعدها به من گفتند: نخواستم در نظر او، قبح روزه‌خواری از بین برود.» (کریمی نیا، ۱۳۷۷، ص. ۲۰۸).

این استقامت در همه واجبات و ضروریات دینی همچون نماز، حجاب و ... نیز باید اعمال و به دقت تدبیر شود.

فرزندان باید استقامت در مسیر ارزش‌ها را در رفتار والدین مشاهده کنند تا خود نیز در آینده در مسیر تعلیم و تربیت استقامت داشته باشند. غزالی معتقد است: «تربیت دینی باید از سنین پایین آغاز شود؛ زیرا در این سن کودک بدون طلب دلیل و برهان، آماده پذیرش عقاید دینی است. از طرف دیگر، نهادینه کردن معانی دینی با تلقین و تقلید آغاز می‌شود و سپس با توجه به مراحل گوناگون رشد، دستورات مناسب هر مرحله به تدریج عرضه می‌شود و در پایان به پدید آمدن باورهای عمیق و محکم در ذهن انسان می‌انجامد» (فضل الله، ۱۳۷۹، ص. ۱۳۹).

۲) کلمه «أَصْطَبِرُ» بر وزن «افْتَعَلَ» از باب «افْتَعَلَ» است. سه ویژگی اصلی افعال در این باب عبارتند از: نخست، استمرار: امر به نماز و واجبات دینی و تأکید بر آنها (با توجه به اصول تربیت دینی که در آغاز بیان شد) باید به صورت مستمر از همان آغاز کودکی فرزندان مورد توجه والدین قرار گیرد. به عبارتی، تربیت دینی برای نهادینه کردن ارزش‌ها در فرزندان، یک فرآیند است و با راهکارهای مقطعی، نمی‌توان رفتار مستمری را در مرتب‌ی انتظار داشت. فرآیند بودن امر تربیت، درباره حیا و حجاب نیز، باید مورد توجه فراوان قرار گیرد و از همان ابتدای کودکی در نوع پوشش فرزندان به ویژه دختران، دقت لازم را انجام داد تا حیای فطری آنان لطمه نیندند. البته این بدان معنا نیست که از کودکی، فرزندان دختر را باید مجبور به رعایت حجاب کامل اسلامی کرد؛ بلکه به این معنی است که پوشش او به گونه‌ای باشد که حیای فطری آنان از همان کودکی در معرض آسیب قرار نگیرد. دوم، طرفینی بودن: یکی دیگر از ویژگی‌های باب «افْتَعَلَ»، طرفینی بودن فعل است. یعنی در خانواده این فرهنگ تثبیت شود که افراد نسبت به یکدیگر دغدغه داشته و در صورت دیدن اشتباه، به یکدیگر تذکر دهند. بدین سان فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر، در اولین محیط تعلیم و تربیت یعنی خانواده احیاء خواهد شد.

سوم، پذیرش: یعنی به عنوان نمونه درباره نماز یا حجاب، اگر در خانواده هر یک از اعضاء، نسبت به یکدیگر تذکری دادند، حتی اگر این تذکر از جانب فرزند نسبت به نوع پوشش مادر بود، باید مورد ملاحظه قرار گیرد و تذکرات فرزند به این خاطر که او هنوز کودک است، مورد تمسخر و یا بی‌توجهی واقع نشود. این گونه فرزند می‌آموزد که اگر دیگران نیز در محیط خانواده نسبت به او

تذکری دادند باید مورد توجه او قرار گیرد و از کنار آن به راحتی عبور نمی‌کند. نکته قابل توجه دیگر نقش الگویی والدین است. وقتی کودکان و نوجوانان مشاهده می‌کنند که پدر و مادرشان نسبت به امور مذهبی حساسیت و دقت نظر دارند و به عنوان مثال، مادر در امر پوشش و حیا دقت دارد و نسبت به آداب دین اهمیت فراوان نشان می‌دهند، در اوقات نماز با اشتیاق به سوی عبادت می‌شتابند و در مناسبت‌های مذهبی و مراسم عبادی شرکت فعال دارند، خودبه‌خود به این قبیل امور احساس علاقه و نشاط می‌کنند و مجذوب می‌شوند. امام کاظم (ع) می‌فرماید: «رفتار کودکان در اثر خوبی‌های رفتار والدین حفظ می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۳۶).

نکته این‌جاست که در برخی موارد والدین خود مقید نیستند ولی از فرزند خود انتظار تقید دارند. به عنوان مثال در مواردی مادر، فرزند خود را به برخورد درست با نامحرم سفارش می‌کند؛ در حالی که خود برخورد مناسبی با نامحرم به ویژه نامحرم اقوام و خویشاوندان ندارد و یا این که خود در برخی موارد حدود دقیق حجاب را نمی‌داند مثلاً درباره پوشانیدن دست تا مچ، خود رعایت نمی‌کند. بنابراین لازم است که والدین به ویژه مادر در مرحله نخست، خود سطح معلومات خوبی درباره احکام دین و به ویژه درباره حجاب و پوشش و حدود آن کسب کنند تا به علت جهل، فرزند آنان نیز دچار تربیت نادرست نشود و بتوانند الگوی مناسبی برای فرزندان خود باشند.

۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله عوامل مؤثر بر تربیت دینی دختران در مقوله حیا و حجاب مورد بررسی و آسیب‌شناسی قرار گرفت و راهکارهای قرآنی و روایی برای برطرف کردن آسیب‌ها ارائه شد. مرور مطالب نشان داد که والدین به عنوان اولین و مهم‌ترین مربیان فرزند، نقش مهمی در نهادینه کردن عبادات و ضروریات دین از جمله موضوع حیا و حجاب در فرزندان خود به‌ویژه دختران دارند. عوامل مهمی در پدید آمدن بدحجابی و بی‌حیایی به عنوان یک آسیب خانوادگی و بلکه مهم‌تر از آن اجتماعی مؤثر است. از جمله این عوامل عدم هماهنگی والدین با یکدیگر در امر تعلیم و تربیت و یا حتی نوع نگاه به مسائل اعتقادی، سیاسی و اجتماعی است. هر چه والدین در به کارگیری شیوه‌های تربیتی هماهنگ‌تر عمل کنند، فرزندان نیز انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان خواهند داد. در بسیاری از موارد نیز، بی‌توجهی به موضوع حیا و حجاب از همان ابتدا در خانواده، موجب آسیب‌های بعدی خواهد شد؛ زیرا یکی از مهم‌ترین اصول تربیت دینی در اسلام، فرآیند بودن امر تربیت است که باید به صورت مستمر و طرفینی و با تکرار در خانواده صورت پذیرد و رفتارهای مقطعی در این زمینه پاسخ‌گو نخواهد بود. بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به این امر، سبب انتقال ندادن احساس ارزشمندی ارزش‌های دینی و عقلی به فرزندان می‌شود و امر حجاب به عنوان یک ارزش عقلی دینی در آنها نهادینه نخواهد شد. نداشتن مهارت و یا مهارت کم والدین در زمینه انتقال مستدل ارزش‌ها به فرزندان و شناخت کم آنها این امر را تقویت می‌کند. باید توجه داشت که در تربیت دینی با توجه به هر یک از سه دوره مذکور در روایات معصومین (ع) (سه تا هفت سال) لازم است که سرمایه‌گذاری

متناسب با هر یک از دوره‌ها توسط والدین صورت پذیرد؛ زیرا در غیر این صورت، بی‌توجهی به این دوره‌ها نیز آسیب‌زا خواهد بود. نظارت کافی و دقیق نسبت به چگونگی استفاده از رسانه در خانه و نظارت کافی بر نوع معاشرت اعضای خانواده با دیگران از دیگر موارد راهبردی جهت تثبیت امر حجاب و حیا در فرزندان است و در این راستا از همه مهم‌تر، داشتن اقتدار لازم و استقامت در تربیت و تثبیت رفتارهای دینی به همراه دادن شناخت و معرفی الگوهای لازم به فرزندان است.

منابع

قرآن کریم.

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳). من لایحضره الفقیه. تحقیق علی اکبر غفاری. جلد اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. تحقیق جمال الدین میردامادی، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دارصادر.
- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۳). آداب الصلوه (آداب نماز). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام سجاد (ع)، علی بن الحسین (۱۴۲۱ق). رساله الحقوق للامام زین العابدین (ع). قم: موسسه الهدی للنشر و التوزیع.
- جعفریان، رسول (۱۳۷۱). مرجئه، تاریخ و اندیشه. قم: نشر خرم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). تسنیم تفسیر قرآن کریم. تحقیق علی اسلامی، قم: اسراء.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷ق). الصحاح. تحقیق احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. تحقیق علی هلالی، بیروت: دارالفکر.
- رشید، صلاح (۱۳۸۳). تفسیری جدید از مثال عنکبوت در قرآن. ترجمه و نقد محمد علی رضایی اصفهانی، مجله گلستان قرآن، ۱۷۹، ۲۷-۲۴.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۹۳). آنا تومی جامعه مقدمه‌ای بر جامعه شناسی کاربرد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. صبحی صالح، قم: هجرت.
- شعیری، محمد بن محمد (بی تا). جامع الأخبار. نجف: مطبعة حیدریه.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۳ش). شرح اصول الکافی صدرا. تحقیق محمد خواجوی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق). الأملی. قم: دارالثقافة.
- عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نورالثقلین. تحقیق هاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان.
- فضل الله، محمدرضا (۱۳۷۹). در آمدی بر تربیت دینی با توجه به پیشرفت ادراکات دینی در کودکان و نوجوانان. ترجمه فرزندق اسدی، مجله تربیت اسلامی وابسته به وزارت آموزش و پرورش پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۳، ۱۲۳-۱۴۲.
- فیروز آبادی، محمد بن یعقوب (بی تا). القاموس المحيط. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- کریمی نیا، محمد علی (۱۳۷۷). الگوهای تربیت اجتماعی. قم: پیام مهدی.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹). الکافی. قم: دارالحديث.
- گاستون، میالاره (۱۳۷۰). معنی و حدود علوم تربیتی. ترجمه علی محمد کاردان، تهران: دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸). حکمت نامه کودک. ترجمه عباس پسندیده، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. قم: صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). آزادی انسان. تهران: دبیرخانه طرح مطالعاتی بینش مطهر.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۱ق). الأمثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب.
- نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل. جلد پانزدهم، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
- همت بناری، علی (۱۳۹۰). رابطه تعلیم و تربیت با تأکید بر دیدگاه اسلام. دو فصلنامه اسلام و پژوهش های تربیتی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۳(۲)، ۳۷-۵۶.